

معرفی کتاب وقتی مهتاب گم شد

کتاب وقتی مهتاب گم شد تالیف حمید حسام شرح زندگی سردار شهید علی خوش لفظ و روایتی عینی از یک واقعه‌ی تاریخی است که موجب شد سرنوشت خیل وسیعی از مردمان ایران تغییر کند.

وقتی مهتاب گم شد قصه نیست. داستان‌پردازی و اسطوره‌سازی هم نیست، بلکه واقعیتی است شبیه اساطیر. واقعیت زندگی و رزم مردی که «خود واقعی‌اش» را در «شبی که مهتاب گم شد»، پیدا کرد.

علی خوش لفظ که نامش را بخاطر نزدیکی تولدش با ولیعهد پهلوی، جمشید گذاشته‌اند، سال‌ها بعد در نوجوانی، همزمان با وقوع انقلاب اسلامی خود نیز دچار تحول و دگرگونی در اهداف و آرمان‌ها می‌شود. همین انقلاب درونی باعث می‌شود که او در اولین اعزام به جبهه نام خود را به علی خوش لفظ تغییر دهد و سرانجام زندگی‌اش هم تغییر کند.

علی خوش لفظ یک قهرمان ملی است. این را زخم‌های نشمرده‌ای که از او «علی خوش زخم» ساخته گواهی می‌دهد. علی خوش زخم، نیازی به مدال ملی شجاعت ندارد. بچه بازیگوش محله «شترگلوی همدان»، که روزگاری از دیوار راست بالا می‌رفت، پس از یازده بار مجروحیت با تیر و ترکش و موج و شیمیایی، حالا نمی‌تواند روی تخت بیمارستان بنشیند. تیر کالیبر تانک در آوردگاه شلمچه و کربلای ۵، پس از ۲۶ سال، همسایه نخاع اوست.

سردار شهید علی خوش لفظ پس از سال‌ها تحمل درد و رنج ناشی از مجروحیت و صبر در برابر دوری یاران و دوستان، ۲۹ آذر ماه سال ۱۳۹۶ آسمانی شد و به کاروان عظیم شهدا پیوست. او به تعبیر هم‌زمانش «علی خوش رفیق» بود.

طی هشت سال جنگ، هشتصد نفر از رفقایش شهید شده‌اند که با نود نفر از آنان رفیق‌تر و عقد اخوت بسته بود. از این جماعت هشت نفرشان پاره تن او بوده‌اند. برادرانی چون علی محمدی، نادر فتحی، حبیب مظاهری، رضا نوروزی، عباس علافچی، بهرام عطائیان، جمشید اصلیان، و علی چیت‌سازیان که به رفیق‌ا علی رسیدند.

علی خوش رفیق برای هیچ‌کدام از آن‌ها رفیق نیمه‌راه نبود. کتاب خاطرات او مرام‌نامه برادری است. علی خوش لفظ، پای دو برادر شناسنامه‌ای، جعفر و امیر، را نیز به جبهه باز کرد. آن دو نیز خدایی شدند و شیرازه کتاب خاطرات علی با آن دو بسته می‌شود.

